

تحلیل تطبیقی گرایش به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان و طلاب شهر تهران

امیر اکبری قمصری*، حسین مهدی‌زاده مقدم**

(تاریخ دریافت ۹۸/۰۷/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۹/۰۳/۲۰)

چکیده

فرایند مدرنیته در ایران، تأثیرات مهمی از جمله بر تغییر ساختار خانواده و ازدواج گذاشته است. بررسی داده‌های طولی نشان از «افزایش سن ازدواج»، «افزایش درصد زنان و مردان هرگز ازدواج‌نکرده در سن ازدواج»، «کاهش میزان ازدواج»، «کاهش میزان باروری» و «افزایش میزان طلاق» دارد. فرایند مذکور در میان جوانان تحصیل کرده نمود بیشتری دارد. در این تحقیق با استفاده از تکنیک پیمایش به بررسی و مقایسه تطبیقی گرایش به ازدواج دانشجویان و طلاب به عنوان قشر تحصیل کرده پرداخته شده است.

نتایج نشان می‌دهد درصد گرایش به ازدواج در گروه دانشجویان ۶۴٪ و در گروه طلاب ۹۲٪ بوده است. از میان عوامل مؤثر بر متغیر وابسته (گرایش به ازدواج)، موانع درونی، فواید ازدواج، موانع بیرونی بیشترین تأثیر را در تبیین داشته‌اند. با توجه به رگرسیون‌های اجرا شده در گروه دانشجویان (دختر ۷۵٫۹٪، پسر ۷۸٪) و در گروه طلاب (دختر ۷۷٫۲٪ و طلاب پسر ۵۸٫۸٪) از متغیر وابسته تبیین شده است.

مفاهیم اصلی: دانشجویان، طلاب، فواید و هزینه‌های ازدواج، گرایش به ازدواج، موانع درونی و بیرونی ازدواج.

*. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، (نویسنده مسئول)
a-akbari@sbu.ac.ir

** دانش آموخته کارشناسی‌ارشد رشته پژوهش اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی،
h.mahdizadeh89@gmail.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیستم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸، ص ۵۸-۸۵

مقدمه

ازدواج^۱ یکی از اساسی‌ترین و درعین‌حال حساس‌ترین مراحل زندگی انسان به شمار می‌رود. از دیدگاه جامعه‌شناختی، ازدواج یک قرارداد اجتماعی، زیستی و فرهنگی است که به دلیل نقش بنیادین آن در تشکیل خانواده، از اهمیت بسزایی برخوردار است و آرامش و امنیت در یک جامعه می‌تواند تا حدودی نتیجه ازدواج سالم و محیط آرامش‌بخش خانواده باشد. خانواده به‌مثابه دژی استوار و نهادی مقدس‌ترین مسئولیت را در رشد و تحول، تربیت و تعالی و سعادت وجود انسان بر عهده دارد و نخستین نظام نهادی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و تعالی جامعه ضرورت تام دارد و درعین‌حال هم کوچک‌ترین واحد اجتماعی و هسته مرکزی اجتماع است. (ساروخانی، ۱۳۷۵؛ ۴۵). تنوع گسترده شکل‌های خانواده^۲ و خانوار^۳ یکی از خصیصه‌های روزمره عصر ما شده است، گرایش مردم به ازدواج کردن کمتر از گذشته است و اگر هم ازدواج کنند در سن بالایی ازدواج می‌کنند. نرخ طلاق افزایش چشم‌گیری یافته است و این یکی از عوامل افزایش خانواده‌های تک‌والدی است. (گیدنز، ۱۳۸۷؛ ۲۵۰) شمار کسانی که تصمیم می‌گیرند پیش از ازدواج رسمی، یا اصلاً به‌جای ازدواج، باهم زندگی کنند - همباشی^۴ - روزبه‌روز بیشتر می‌شود. به‌عنوان مثال در آمریکا تعداد این زوج‌ها، میان سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ شش برابر شد (بوم پاس، ۱۹۹۱ به نقل از عضدانلو، ۱۳۹۱، ۶۷۵). خلاصه دنیای خانواده با آنچه پنجاه سال پیش بود، تفاوت زیادی پیدا کرده است. به گفته گیدنز، با این‌که نهاد خانواده و ازدواج هنوز موجودند و در زندگی ما اهمیت دارند، خصوصیات آن‌ها به‌صورت نمایی تغییر کرده است (گیدنز، ۱۳۸۷؛ ۲۵۰). این دگرگونی تنها به کشورهای صنعتی محدود نمی‌شود بلکه فرایندهایی که وصف‌شان رفت در جوامع سراسر جهان در حال وقوع هستند - البته به‌صورت ناهمتر؛ این مسائل فقط از نظر درجه و شدت و بر اساس متن و زمینه فرهنگی‌شان باهم فرق می‌کنند (همان، ۲۵۱).

در ایران نیز بر اساس آمارهای سازمان ثبت‌احوال، از سال ۸۹ به بعد آمار ازدواج در سطح کشور برخلاف سال‌های گذشته سیر نزولی دارد و این آمار نسبت به سال ۹۳، ۱۸/۷ درصد کاهش داشته است؛ در مقابل آمار طلاق از سال ۸۳ به بعد سیر صعودی دارد و در طول این یک دهه ۲/۲۱ برابر شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۰).

داده‌های طولی مرکز آمار ایران در ارتباط با مواردی که به ازدواج و تشکیل خانواده مربوط می‌شوند همچون کاهش نرخ ازدواج، افزایش نرخ طلاق، افزایش سن ازدواج و کاهش نرخ موالید،

¹ Marriage

² Family

³ Household

⁴ Cohabitation

نشان می‌دهند که بنیان خانواده از جمیع این موارد مورد تهدید قرار گرفته‌اند. با ورود جوانان به تحصیلات دانشگاهی، خودبه‌خود سن ازدواج افزایش یافته و با ایجاد دگرگونی در سبک زندگی، نظام ارزش‌ها و اولویت‌های افراد، ازدواج و تشکیل خانواده در نزد جوانان تحصیل کرده، تغییرات اساسی و بنیادینی را تجربه می‌کند.

بررسی ادبیات موضوع و پیشینه تحقیقات انجام‌شده در این زمینه نشان می‌دهد که این پژوهش‌ها عموماً با تمرکز بر جوانان به‌طور عموم و جوانان دانشگاهی به‌طور اخص صورت گرفته است. در این تحقیق علاوه بر تمرکز بر جوانان دانشجوی دانشگاه‌های شهر تهران، بر گروه دیگری از جوانان تحصیل کرده متمرکز شده‌ایم که در زمینه علوم دینی و در مدارس و حوزه‌های علمیه شهر تهران در حال تحصیل بوده‌اند. هدف از این تحقیق سنجش گرایش به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان و طلاب در شهر تهران و همچنین مقایسه تطبیقی بین این دو گروه جوانان جامعه بوده و درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر می‌باشد:

۱. میزان گرایش دانشجویان و طلاب به ازدواج چقدر است؟
۲. مهم‌ترین عوامل و موانع مؤثر بر گرایش به ازدواج دانشجویان و طلاب چه می‌باشد؟

بررسی پیشینه تحقیقات انجام‌گرفته

مطالعات متعددی در داخل نسبت به خارج در رابطه با مسئله ازدواج صورت گرفته است که نشان‌دهنده اهمیت موضوع ازدواج و تشکیل خانواده برای جامعه ایرانی دارد. همچنین تحقیقات داخلی تمام متغیرهای تحقیقات خارجی را نیز شامل می‌شوند. پژوهش‌های صورت گرفته غالباً در چهار محور گرایش به ازدواج، افزایش سن ازدواج، تأخیر یا زود ازدواج کردن و علل و موانع مؤثر بر ازدواج قابل دسته‌بندی است. باین‌حال در مورد سنجش گرایش به ازدواج و به‌ویژه ازدواج دانشجویان، باینکه تعدادی از مطالعات را تشکیل داده است، باین‌حال در جست‌وجوهایی که انجام گرفت، مطالعه منسجمی در زمینه گرایش به ازدواج طلاب حوزه‌های علمیه مشاهده نگردید. به لحاظ روش‌شناختی باید گفت که اکثریت پژوهش‌های مربوط به ازدواج در ایران، به روش پیمایش و در میان جامعه آماری دانشجویان صورت گرفته است. نظریاتی که در این تحقیقات بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند به ترتیب عبارت‌اند از: نظریه‌های نوسازی و مدرنیزاسیون، کارکردگرایی ساختاری، مبادله، انتخاب عقلانی و نابرابری جنسی؛ و در مطالعات خارجی به لحاظ روش‌شناختی باید گفت که اکثریت پژوهش‌ها به روش پیمایش و تحلیل ثانویه صورت گرفته و در اکثر تحقیقات به زمینه‌های نظری اشاره نشده است. یافته‌های تحقیقات صورت گرفته را با محوریت موضوعی در چهار گروه زیر می‌توان مشاهده کرد.

با توجه به تحقیقات نقیبه (۱۳۹۴)، کرمی (۱۳۹۳)، پور افکاری (۱۳۹۲)، ملکی (۱۳۹۱)، دستجردی (۱۳۹۱)، باقیانی مقدم (۱۳۹۰)، باقریان (۱۳۹۰)، مجدی (۱۳۹۰)، کاظمی (۱۳۸۹)، کاظمی پور (۱۳۸۸)، نصرالله (۲۰۱۴)، هوآنگ (۲۰۱۴)، فولاد (۲۰۱۴)، سیاهوی لی (۲۰۱۴)، الیسون (۲۰۱۳)، تروتر (۲۰۱۰)، ناتان (۲۰۱۰)، کانینگهام (۲۰۰۶) که با محوریت موضوع «گرایش به ازدواج» انجام داده‌اند، یافته‌های زیر حاصل گردیده است:

عوامل اجتماعی: مسئولیت‌پذیری، رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، گرایش دوستان به ازدواج عوامل اقتصادی: شاغل بودن، تعارض کار با زندگی خانوادگی

عوامل فرهنگی: اعتقادات مذهبی، گرایش فمینیستی، گرایش مدرن و سنتی، آرمان‌گرایی توسعه‌ای، عقلانی شدن امر ازدواج، تأثیر فرهنگ و برداشت‌های عوام، تفسیرهای متفاوت از دین، عوامل فردی: جنسیت، سن، تحصیلات، نیافتن فرد مناسب، روابط خارج از ازدواج، هم‌بالی‌گری، درون‌گرایی و برون‌گرایی، سلطه‌پذیری، توانمند بودن برای زندگی مشترک آینده، اطمینان کافی برای ازدواج، اعتقاد بر فائق آمدن بر مشکلات در زندگی آینده، گرایش به جنس مخالف، رضایت از زندگی، سواد، افتخار محافظت از خانواده، دین‌داری فرد

عوامل خانوادگی: پایگاه خانوادگی، جو اجتماعی خانواده، روابط والدین با یکدیگر، طلاق والدین، شکاف بین گرایش مادر و دختر، میزان حمایت خانواده، محیط خانواده

با توجه به تحقیقات یاری نسب (۱۳۹۴)، شاطریان (۱۳۹۴)، تاج‌بخش (۱۳۹۳)، فولادی (۱۳۹۳)، شقاقی شیری (۱۳۹۳)، نوربخش (۱۳۹۳)، رحیمی (۱۳۹۲)، مرادی (۱۳۹۱)، حبیب پور (۱۳۹۰)، عسکری (۱۳۹۰)، مجدالدین (۱۳۸۶)، کنعانی (۱۳۸۵)، محمودیان (۱۳۸۳) که با محوریت موضوع «افزایش سن ازدواج» انجام داده‌اند، یافته‌های زیر حاصل گردیده است:

عوامل اجتماعی: منطقه زندگی، عدم اعتماد به جنس مخالف، اعتیاد، مهاجرت، سکونت پسران در شهر، عدم تعادل نسبت جنسی در روستا، شهرنشینی و عدم تعادل در نسبت جنسی عوامل اقتصادی: میزان درآمد، وضعیت اشتغال و اشتغال زنان، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، افزایش هزینه‌های زندگی و تورم، وضعیت مسکن، مشکلات اقتصادی

عوامل فرهنگی: قومیت، گرایش مدرن، تغییر ارزش‌ها، تغییر گرایش جوانان به ازدواج، نابرابری جنسیتی، محاسبه سود و زیان فرهنگی، گرایش فرا مادی، افزایش سواد، درون‌همسری، رسم پرداخت شیربها، ازدواج‌های آزادتر، آزادی در انتخاب همسر

عوامل فردی: سن، جنسیت، میزان تحصیلات، هزینه فرصت، ناهم‌زمانی بلوغ جنسی و عاطفی و بلوغ اجتماعی و اقتصادی، هزینه فرصت در بین پسران، برقراری روابط جنسی خارج از ازدواج، عدم مسئولیت‌پذیری، میزان اعتماد به نفس، ترس از عدم صداقت، ترس از عدم تفاهم و سواس بیش از حد در انتخاب همسر

عوامل خانوادگی: میزان تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده، دخالت والدین، سبک فرزند پروری

با توجه به تحقیقات صفدری (۱۳۹۳)، حاج حسینی (۱۳۹۳)، بکر (۲۰۱۴)، اسمیت (۲۰۱۲) که با محوریت موضوع «تأخیر یا زود ازدواج کردن» انجام داده اند، یافته های زیر حاصل گردیده است:

عوامل اجتماعی: محل سکونت، اعتیاد، زمینه محل تحصیل

عوامل اقتصادی: هزینه های ازدواج، نداشتن کار و مسکن

عوامل فرهنگی: تشریفات ازدواج، مهریه سنگین، تحولات فرهنگی اجتماعی و تأثیر آن بر هویت، فردگرایی، سنت های مذهبی،

عوامل فردی: تحصیلات، تغییر اولویت ها، دین داری

عوامل خانوادگی: تحصیلات والدین

با توجه به تحقیقات دوراهکی (۱۳۹۱)، صدر الاشرافی (۱۳۹۱)، کنعانی (۱۳۹۰)، مقدس جعفری (۱۳۸۵)، کالمی جن (۲۰۱۳)، بوردت (۲۰۱۱) که با محوریت موضوع «علل و موانع مؤثر بر ازدواج» انجام داده اند، یافته های زیر حاصل گردیده است:

عوامل اجتماعی: نابرابری های اقتصادی و اجتماعی، زلزله، انقلاب، جنگ، عدم حمایت مؤسسات دولتی

عوامل اقتصادی: وام، نابسامانی اقتصادی و اجتماعی، مسکن، داشتن شغل مناسب، درآمد کافی، هزینه های زندگی، امور مالی

عوامل فرهنگی: فرا مادی گرایی، کاهش خانواده محوری، فرد محوری، مهریه و جهیزیه، برابر طلبی جنسیتی، وفاداری جنسی، نیافتن همسر دل خواه، افزایش سطح توقعات زوج ها

عوامل فردی: جنسیت، تحصیلات، مشکلات تحصیلی، هزینه فرصت، روابط دوستی دختر و پسر

قبل از ازدواج، توانمندی برای زندگی مشترک، اطمینان کافی برای ازدواج، اعتقاد به فائق آمدن بر مشکلات آینده، دین داری، نگرانی ها در مورد مسئولیت، تردید در تصمیم گیری

عوامل خانوادگی: توجه خانواده

مبانی نظری تحقیق

با وجود سنت دیرین پژوهش در مورد ازدواج و مبنای گسترده چند رشته ای آن، شاهد فقدان توسعه نظریه ای آشکار در زمینه ازدواج هستیم (بنگستون، ۱۳۹۳: ۳۸۱). با توجه به این نکته درصدد گزینش، جمع بندی و تبیین ارتباط بین نظریات گوناگونی هستیم که با اشاره به علل دور و نزدیک در سه سطح خرد، میانه و کلان به نحوی مرتبط با موضوع ازدواج و خانواده اند.

عوامل مؤثر بر گرایش به ازدواج در سطح خرد

در سطح خرد ابتدا لازم است از نظر انسان‌شناسی، نسبت به کنشگرانی که می‌خواهند ازدواج و تشکیل خانواده بدهند شناخت داشته باشیم که اکثریت قریب به اتفاق نظریه‌پردازان نظریه‌گزینش عقلانی را در مورد کنشگران پذیرفته‌اند. اصول بنیادی نظریه‌گزینش عقلانی^۱ فریدمن و هکتر از اقتصاد نوکلاسیک (و نیز فایده‌گرایی^۲ و نظریه‌بازی) سرچشمه گرفته است. به اعتقاد نظریه‌پردازان گزینش عقلانی، کنشگران دارای نیت و اهداف می‌باشند (نظریه کنش وبر: دیلینی، ۱۳۸۷؛ ۲۰۶) که بر اساس رجحان‌های (ارزش‌ها و منفعت‌ها) خود برای این اهداف سلسله مراتبی در نظر می‌گیرند. (نظریه گزینش کردن: پیرن بنایاگام، ۱۹۸۵؛ ۵۳ به نقل از ریتزر، ۱۳۹۰؛ ۳۲۴) کنشگران در راستای نیل به اهداف‌شان ممکن است با محدودیت‌هایی روبه‌رو شوند. نخست کمبود منابع است، کنشگران از منابع متفاوتی برخوردارند و نیز از لحاظ دست‌یابی به منابع دیگر در شرایط یک‌سانی نیستند (نظریه میدان و سرمایه بوردیو، ۱۹۹۱؛ ۲۲۹-۲۳۱ به نقل از جنکینز، ۱۳۸۵؛ ۱۳۶). کمبود منابع با ایده هزینه فرصت ارتباط برقرار می‌کند، بدین معنی که کنشگران باید با توجه به منابع خود ارزیابی هزینه-فایده کنند که به کدام اهداف امکان دست‌یابی وجود دارد و سود بیشتری نصیب‌شان خواهد شد (نظریه مبادله: هومنز، ۱۹۶۱؛ ۱۳ به نقل از دیلینی، ۱۳۹۰؛ ۳۹۴ و ۳۹۵) و در صورت صرف‌نظر کردن از یک کنش چه هزینه‌هایی ممکن است داشته باشد. (فریدمن و هکتر، ۱۹۸۸؛ ۲۰۲، به نقل از ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰؛ ۳۳۹ و ۴۰۰) دومین منابع محدود کننده (تقویت‌کننده) کنش فردی نهادهای اجتماعی هستند. به گفته فریدمن و هکتر، فرد کنش‌هایش را تحت الزام قواعد خانوادگی و مدرسه، احکام مذهب و قوانین درمی‌یابد. (همان) این قیدوبندهای نهادی تقویت‌کننده‌های منفی یا مثبتی را فراهم می‌آورند که کنش‌های خاصی را تشویق کرده و از وقوع کنش‌های دیگری جلوگیری می‌کنند. (نظریه فشار هنجاری: رفیع پور، ۱۳۸۹؛ ۱۹۱-۱۹۵ و نظریه خود: مید، ۱۹۳۴؛ به نقل از کوزر، ۱۳۸۹) فریدمن و هکتر دو ایده دیگر را نیز برمی‌شمارند که به نظر آن‌ها برای نظریه‌گزینش عقلانی اهمیت اساسی دارند. اولی عبارت است از نوعی سازوکار جمعی یا فرآیندی که از طریق آن «کنش‌های فردی جداگانه به‌منظور تولید فرآورده‌های اجتماعی معینی باهم ترکیب می‌شوند». (همان، ۲۰۳) (نظریه شبکه: گرانووتر، ۱۹۸۳؛ ۲۰۹) ایده دوم، اهمیت اطلاعات در انجام گزینش‌های عقلانی است که کمیت و کیفیت اطلاعات موجود، متغیر بوده و این تغییر تأثیر شدیدی بر گزینه‌های کنشگران دارد. (هکاتورن، ۱۹۹۷)

^۱. Rational choice theory

^۲. utilitarianism

عوامل مؤثر بر گرایش به ازدواج در سطح میانه

با توجه به تصویری که از کنشگر ایجاد شد، در سطح میانه ما به بررسی ساختار و شرایط نهاد خانواده و تأثیر آن بر ازدواج می‌پردازیم. مراحل گذر زندگی هر فرد به‌توالی تحولات یا رخداد‌های زندگی مشخص می‌شود و از کلافی از تصمیمات به‌هم‌پیچیده در مورد خانواده و کار تشکیل شده است. مراحل گذر هر شخص با مراحل گذر دیگران - به‌ویژه دیگرانی که حائز اهمیت‌اند، مثل والدین، همسران و فرزندان - وابسته است و مراحل گذر وابسته به هم اشخاص را از میان نسل‌ها (ارتباطات خویشاوندی) و از طریق جنسیت (روابط زناشویی) به هم پیوند می‌زند (بنگستون و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۸۵). در نگاه اولیه به خانواده که از گذشته وجود داشته، آن را یک‌نهاد کارآمد در رفع نیازهای اساسی افراد می‌دانند. از دیدگاه آبراهام مازلو بشر، موجودی نیازمند است و دارای سلسله‌ای از نیازهای ذاتی است که فعال‌کننده و هدایت‌کننده رفتارهای اوست. این نیازها بر اساس غلبه و قدرتی که دارند پنج دسته‌اند که عبارت‌اند از: نیازهای جسمانی، نیازهای ایمنی، نیاز به عشق و تعلق (نظریه جاذبه‌های میان فردی: اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۵: ۶۲۲-۶۱۸)، نیاز به احترام و نیاز به خودشکوفایی می‌باشند؛ و تا زمانی که نیازهای اولیه و جسمانی در هر ارتباط برآورده نشود، تأمین نیازهای دیگر فرد امکان‌پذیر نیست. (مازلو، ۱۳۷۶، ۵۱-۷۰) خانواده مهم‌ترین بستر و محملی بوده که می‌توانست در قالب آن به این نیازها پاسخ دهد. از منظر قرآن کریم نیز ازدواج مایه سکون و آرامش به همراه مودت و رحمت^۱ است، «آیه ۲۱ سوره روم» هدف ازدواج را آرامش و سکون قرار داده است، این آرامش (جسمی، روحی و فردی، اجتماعی) از این‌جا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی، نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند. مودت و رحمت در واقع وسیله ادامه و حفظ یک رابطه اجتماعی است. (مکارم شیرازی، ج ۱۶، ص ۳۹۱ و ۳۹۲) و یکی دیگر از آثار ازدواج برای زن و مرد، ایجاد زمینه تقوا و دوری از گناهان است.^۲

گری بکر یک نظریه اقتصادی را در مورد ازدواج مطرح می‌سازد؛ که در آن تخصیص نقش‌ها بر حداکثر استفاده از توانایی‌های هر یک از زوجین مبتنی است. مردان در این چارچوب زنان را «استخدام می‌کنند تا به تولید فرزند و تقبل وظایف خانه‌داری مشغول شوند» (نظریه تکاملی و جامعه‌شناسی زیستی: باس، ۱۹۸۹، به نقل از اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۵: ۶۲۴ و ۶۲۵) زیرا خود نمی‌توانند این عملکرد را داشته باشند و وقت آنان ارزشمندتر از آن است که برای ایفای وظایف نوع

^۱ و از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرارداد. به‌یقین در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند. «سوره روم، آیه ۲۱»

^۲ قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «إذا تزوج الرجل احرز نصف دینه. کسی که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است» (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۴)

دوم صرف شود؛ و زنان به «استخدام مردان مبادرت می‌ورزند تا دستمزدی را کسب کنند» که در غیر این صورت خود قادر به تحصیل آن نمی‌بودند. هر یک از شرکای زندگی می‌توانند از رابطه خود با شریک دیگر منتفع شوند و در این الگو فعالیت‌های زنانه و مردانه مکمل یکدیگر هستند. بنابراین سودی که ازدواج نصیب طرفین می‌سازد باید با هزینه‌های آن مقایسه شود. (سگالن، ۱۳۹۳: ۲۵۸) این تصور کارآمد از نهاد خانواده، توسط فرهنگ و ایدئولوژی مسلط در جامعه تأیید می‌شده است و به‌وسیله **نظارت‌های اجتماعی** (فشار هنجاری، انتظارات دیگران مهم) و **قانونی** (حرمت همباشی، هم‌جنس‌گرایی و...) قوام پیدا می‌کرده است. از نظر مرتن، فرهنگ، اهداف **بارز** را به همراه **شیوه‌های** پذیرفتنی رسیدن به آن‌ها، برای افراد جامعه تعیین، تنظیم و نظارت می‌کند، هنگامی که شرایط اجتماعی به‌گونه‌ای باشد که برخی افراد توان سازگاری با این ارزش‌های هنجارمند را نداشته باشند، بی‌هنجاری به وجود می‌آید. (مرتن، ۱۹۶۸: ۲۱۶) که در نتیجه آن نوعی گرایش به رفتارهای انحرافی نیز پدید می‌آید و فرد منحرف اغلب از **شیوه‌های جایگزین**، غیرقابل‌پذیرش و گاهی غیر مشروع برای رسیدن به اهداف ارزشمند استفاده می‌کنند. از این به بعد می‌توان از **بدیل‌های ازدواج** از جمله همباشی سخن گفت. آماتون معتقد است تغییر در نگرش‌های عام از جمله ارزیابی مثبت از شیوه‌های زندگی مجردی و همباشی، کاهش در مرکزیت داشتن سنتی ازدواج را منعکس می‌کند. (بنگستون و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۰۹) همباشی که به گونه روزافزونی از ازدواج پیشی می‌گیرد، جای‌گزینی برای ازدواج مجدد بعد از طلاق و جدایی است و در بسیاری از کشورهای اروپایی اغلب جای‌گزین بلندمدت برای ازدواج است. نسبت بالایی از زندگی‌های همباشی، فرزندان را نیز در برمی‌گیرند. (همان؛ ۱۷۸) در سال ۱۹۸۸، ۳۷ درصد زوج‌های غیر هم‌جنس‌خواه که ازدواج‌نکرده بودند، بچه داشتند. (کسپر و بیانچی، ۲۰۰۲ به نقل از بنگستون و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۹).

عوامل مؤثر بر گرایش به ازدواج در سطح کلان

در **سطح کلان** قصد داریم بر نقش تغییرات ساختاری و کلان جامعه که در تبیین تغییرات خانواده مؤثر است در قالب سه رهیافت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بپردازیم. رهیافت اجتماعی با نظریه مدرنیزاسیون و نوگرایی، رهیافت فرهنگی با نظریه فمینیسم و رهیافت اقتصادی با نظریه تضاد توضیح داده می‌شود.

رهیافت اجتماعی، نظریه مدرنیزاسیون و نوگرایی: به گفته ویلیام گود زمانی که دگرگونی‌های ساختاری و ایدئولوژیک در سطح کلان رخ می‌دهد سازمان‌های سطوح پایین‌تر (خانواده) نیز اجباراً باید خود را با این دگرگونی‌های سطح کلان انطباق دهند (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۷).

از نظر ویلیام گود فرایند جهانی نوسازی، صنعتی شدن و شهرنشینی، موجب تغییر در ساختار سنتی خانواده و توسعه خانواده‌های جدید از نوع اروپایی در سراسر جهان شده است (گود، ۱۹۶۳). در میان مهم‌ترین فاکتورهای مدرنیزاسیون می‌توان به شهرنشینی، تحرک جغرافیایی فراوان‌تر، رفتارهای دنیوی عصر جدید، سنت‌شکنی در بعضی مناطق، جای‌گزینی شغلی بر اساس رقابت، اشتغال زنان، نظام طبقاتی باز، فرد محوری به جای خانواده محوری و... اشاره کرد. (گود، ۱۳۵۲؛ ۲۹۰-۲۸۱) در دیدگاه گیدنز (۲۴: ۱۳۸۸) نیز، صنعت‌گرایی، سرمایه‌داری و تسلط ارزش‌های سرمایه‌مدارانه، تقویت نهادهای نظارت اجتماعی، قدرت سازمان‌دهی و پویایی نهادهای عصر تجدد و جهانی شدن از جمله ویژگی‌های دوران مدرنیته شناخته می‌شوند. به عقیده گیدنز (۱۳۸۸: ۱۴۴)، کاهش نفوذ گروه‌های خویشاوندی، انتخاب آزادانه‌تر همسر، به رسمیت شناخته شدن حقوق زنان و خانواده، کاهش ازدواج‌های خانوادگی، آزادی جنسی و توجه به حقوق کودکان، گسترش بی‌اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی از جمله تغییرات عمده‌ای است که در جامعه و نهاد خانواده اتفاق افتاده است.

رهیافت فرهنگی، نظریه فمینیسم: با توجه به آثاری که در زمینه‌ی فمینیسم نگارش یافته

است، ما شاهد دو محور اصلی هستیم که آثار فمینیستی حول آن نشر یافته‌اند:

حوزه عمومی و خصوصی (تقسیم کار جنسیت محورانه): نظریه پردازان نابرابری جنسی، ارزش ویژه‌ای برای عرصه خصوصی زنان (که بیشتر متأثر از ویژگی فرزند آوری است) قائل نمی‌شوند، چراکه همین عرصه خصوصی رشته بی‌پایانی از توقعات و وظایف خانه‌داری (که بی‌اجر و مزد، بدون ارزش و بی‌اهمیت تلقی می‌شوند)، مراقبت از کودکان، خدمت عاطفی، عملی و جنسی به مردان را برای زنان در برمی‌گیرد؛ و معتقدند که پاداش‌های راستین زندگی اجتماعی مانند پول، قدرت، منزلت، آزادی، فرصت‌های رشد و بالا بردن ارزش شخصی را باید در عرصه عمومی جست‌وجو کرد (ریترز، ۱۳۸۹). همچنین برخلاف بیشتر جامعه‌شناسان سطح خرد که الگویی از انسان‌های هدف‌دار (تعیین هدف و دنبال کردن مسیرهای عملی) را ارائه می‌دهند، پژوهش‌های فمینیستی نشان می‌دهند که زندگی زنان خصلتی تصادفی و واکنشی دارد و آن‌ها گرفتار برنامه‌هایی در زندگی‌شان می‌شوند که بر اثر دخالت حوادث مربوط به تشکیل خانواده چون ازدواج، شرایط کاری شوهر، تأثیر پیش‌بینی‌ناپذیر کودکان بر طرح‌های زندگی، طلاق، بیوه شدن و ناپایداری مشاغل زنان مزدبگیر، پیوسته دست‌خوش تغییر و تحول می‌گردند. زنان به‌عنوان موجوداتی تصور می‌شوند که در جهت هدف‌های ویژه‌شان عمل نمی‌کنند بلکه وظایف اطلاع‌رسانی، تنظیم، تسهیل و تعدیل خواسته‌ها، کنش‌ها و درخواست‌های دیگران (شوهر و فرزندان) را انجام می‌دهند (ریترز، ۱۳۸۹). در نتیجه ازدواج برای مردان مطلوب و برای زنان نامطلوب هست. به عقیده انگلس در کتاب منشأ

خانواده مالکیت خصوصی و دولت (۱۸۸۴) تابعیت زنان نه از ماهیت زیست‌شناختی بلکه از تنظیم‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد؛ و مبنای رابطه‌ی تابعیت زنان، در خانواده گذاشته شده است؛ و ریشه‌ی این نابرابری‌ها را عوامل اقتصادی و مالکیت می‌دانند. حال اگر زنان در بیرون از خانه شاغل شوند چه، آیا این نابرابری‌ها برطرف می‌شود؟ پاسخ فمینیست‌ها، منفی است، چراکه بر اساس تنظیم‌های اجتماعی (ساختار کلان و ایدئولوژیک پدرسالاری) خانه‌داری را به صورت پیش‌فرض از وظایف زنان می‌داند، حال اگر زنان در بیرون از خانه شاغل شوند، وظایف آنان دو برابر می‌شود، مصیبت معروف دوگانه یا «موقعیت از هر نظر بازنده» ای که شاخص تجربه‌ی تابعیت زنان است، ایجاد می‌شود. در نتیجه فمینیست‌ها خانواده را به عنوان مرکز اصلی ستم بر زنان تلقی می‌کنند.

پدرسالاری (نابرابری و تبعیض): مردان به خاطر داشتن منابع تسلط بر زنان (قدرت جسمانی، اقتصادی، عقیدتی، حقوقی و عاطفی) و منافعشان، از زنان استفاده‌ی ابزاری می‌کنند: مانند برآوردن میل جنسی مردان، فرزند آوری و ارضای نیازهای روانی مردان، زنان به عنوان نشانه‌های تزئینی منزلت و قدرت مردانه، همدمان نظارت‌شده‌ی پسرپچه‌ها و مردان بزرگسال، یاران دل‌پسند و منابع حمایت عاطفی مردان و تقویت حس اهمیت اجتماعی مردان عمل می‌کنند. همین کارکردهای سودمند زنان بوده که باعث شده‌اند مردان در همه‌جا به دنبال مطیع ساختن زنان باشند. (ریتزر، ۱۳۸۹) همچنین فمینیست‌های رادیکال معتقدند که پدرسالاری در تحلیل نهایی بر عملکرد خشونت مردان علیه زنان مبتنی است و این مسئله در محیط خانواده می‌تواند نمود بیشتری نیز داشته باشد که خانواده و نهاد ازدواج را یک امر مثبت و لازم در نظر می‌گیرند و فرد باید زندگی خود را در قالب آن شکل دهد. چراکه نهاد خانواده نقش منظمی در جهت بازتولید و حفظ زندگی انسان‌ها ایفا می‌نماید، سازمان‌دهی کار بالینی که خارج از بازار یا اقتصاد پولی کالاها و خدمات اساسی خانوار را تولید می‌کنند و سازمان اجتماعی جنسیت که امیال و نیازهای عاطفی بشر به پذیرفته شدن، مورد تأیید قرار گرفتن، عشق و عزت نفس را برآورده می‌سازد. دولت و دین که قوانین و مقررات اجتماع را ایجاد می‌کنند نیز در جهت حمایت و حفظ این نهاد عمل می‌کنند و آن را مشروع و قانونی می‌دانند و در مقابل، هرگونه بدیل ازدواج (ازدواج سفید یا همباشی، زنا و...) را نامشروع می‌داند و متناسب با قوانین، مجازاتی را برای آن در نظر گرفته است؛ و سرانجام، تنظیم‌هایی چون سیاست، رسانه‌های همگانی و مباحثات دانشگاهی که تعریف‌های نهادمند و همگانی از موقعیت‌ها را ساخته و پرداخته می‌کنند، نیز در برمی‌گیرد. در مقابل این نظم کلان باید به دیالکتیک فمینیستی توجه کرد که برابر با آن، کنشگران دانش‌شان را بر مبنای موقعیت تجارب و منافع‌شان می‌سازند. درست است که نهاد خانواده و ازدواج از سوی جامعه و ساختارهای کلان آن و مردان، مثبت ارزیابی می‌شود اما آیا زنان هم چنین دیدگاهی دارند؟ با توجه به دوماحوری که در بالا

بررسی شد باید گفت که به اعتقاد فمینیست‌ها جواب منفی است. بکر (۱۹۸۱: ۵-۱) این‌طور استدلال می‌کند که از سال ۱۹۷۰ به دنبال مشارکت فزاینده نیروی کار زنان، زنان امنیت اقتصادی کسب کرده‌اند. در نتیجه پایگاه اقتصادی مردان به‌طور عمده کیفیت خود را ازدست‌داده است. وی همچنین معتقد است جنبش‌های فمینیستی به علت انحراف از نقش‌های سنتی و پاداش بیشتر مخصوصاً برای زنان تحصیل‌کرده بر پیشرفت شغلی و تحصیلی زنان اثر می‌گذارد، به‌عبارتی دیگر تفاوت در سبک‌های زندگی، موقعیت برتر مردان در خانواده را به‌عنوان یک پایگاه قدیمی سست کرده و در نهایت از بین برده است.

رهیافت اقتصادی با نظریه تضاد: نظریه تضاد، ریشه در اندیشه هگل، مارکس و وبر دارد و دارندورف، کوزر و کالینز آن را توسعه داده‌اند. کالینز ادعا می‌کند که به نظر مارکس شرایط مادی دخیل در امرارمعاش در جامعه مدرن، تعیین‌کنندگان اصلی سبک زندگی شخص به شمار می‌آیند. (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰: ۱۷۶) به اعتقاد کالینز هرچند کنشگران تحت تأثیر عوامل و شرایط مادی قرار می‌گیرند (کالینز، ۱۹۷۵: ۶۰) اما همه کنشگران به‌طور مساوی از این عوامل مادی متأثر نمی‌شوند. متغیر عمده در این ماجرا، منابعی است که کنشگران در اختیار دارند. کنشگران برخوردار از منابع چشمگیر می‌توانند در برابر قیدوبندهای مادی ایستادگی کنند و حتی آن‌ها را تعدیل نمایند، درحالی‌که افرادی که از منابع اندکی برخوردارند، احتمال بیشتری می‌رود که اندیشه‌ها و کنش‌های‌شان تحت تأثیر شرایط مادی‌شان تعیین شود (کالینز، ۱۹۷۵) به نقل از ریتزر و گودمن، (۱۳۹۰: ۱۷۹-۱۷۷). مک‌دونالد هیوول معتقد است در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، زنان در محل کار خود، خودمختاری و بخت بیشتری برای رسیدن به اهداف خود پیدا می‌کنند، درحالی‌که سیستم‌های خانوادگی، با این انتظارات که زنان همه نیازهای مراقبتی خانواده خود را با همکاری جزئی مردان برآورده می‌کنند همچنان سنتی باقی‌مانده‌اند؛ یعنی شکاف بین «هویت اجتماعی بالقوه» و آنچه عملاً هست یعنی «هویت اجتماعی بالفعل» باعث داغ خوردگی زنان شده است (گافمن، ۱۹۶۳؛ به نقل از ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰: ۳۳۵). تحت این شرایط (در کشورهایی چون ایتالیا و ژاپن) زنانی که خواستار به رسمیت شناخته شدن، درآمد و کامیابی هستند که بازار می‌تواند برای آن‌ها ایجاد کند، ممکن است چنین احساس کنند که چاره دیگری جز پرهیز از ازدواج و نیز بچه‌داری ندارند (مک‌دونالد، ۲۰۰۰ به نقل از بنگستون و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۸۴). در نتیجه میل به افزایش استانداردهای زندگی، ارزش‌افزوده خودمختاری و کامیابی فردی، آزادی زنان و برابری جنسیتی، افراد کمتر تمایل دارند که کنترل سازمانی دولت یا کلیسا را که ویژگی دوره قبل بوده، بپذیرند (نظریه تغییر ارزشی و گرایش: اینگلهارت، ۱۳۸۳) سرانجام آمفلور لستاک مشاهده می‌کند که «مصرف‌گرایی زیاد» (نظریه مصرف متظاهران: ویلن، ۱۹۳۴: ۳۱-۳۰) و «جهت‌گیری فزاینده به سمت

بازار» (نظریه سرمایه‌داری فن‌سالارانه: کلنر، ۱۹۸۹؛ ۱۸۱) از ویژگی‌های تحول جمعیت‌شناسی و خانواده هستند (لستاک، ۱۹۹۵، به نقل از بنگستون و دیگران، ۱۳۹۳؛ ۱۸۳).

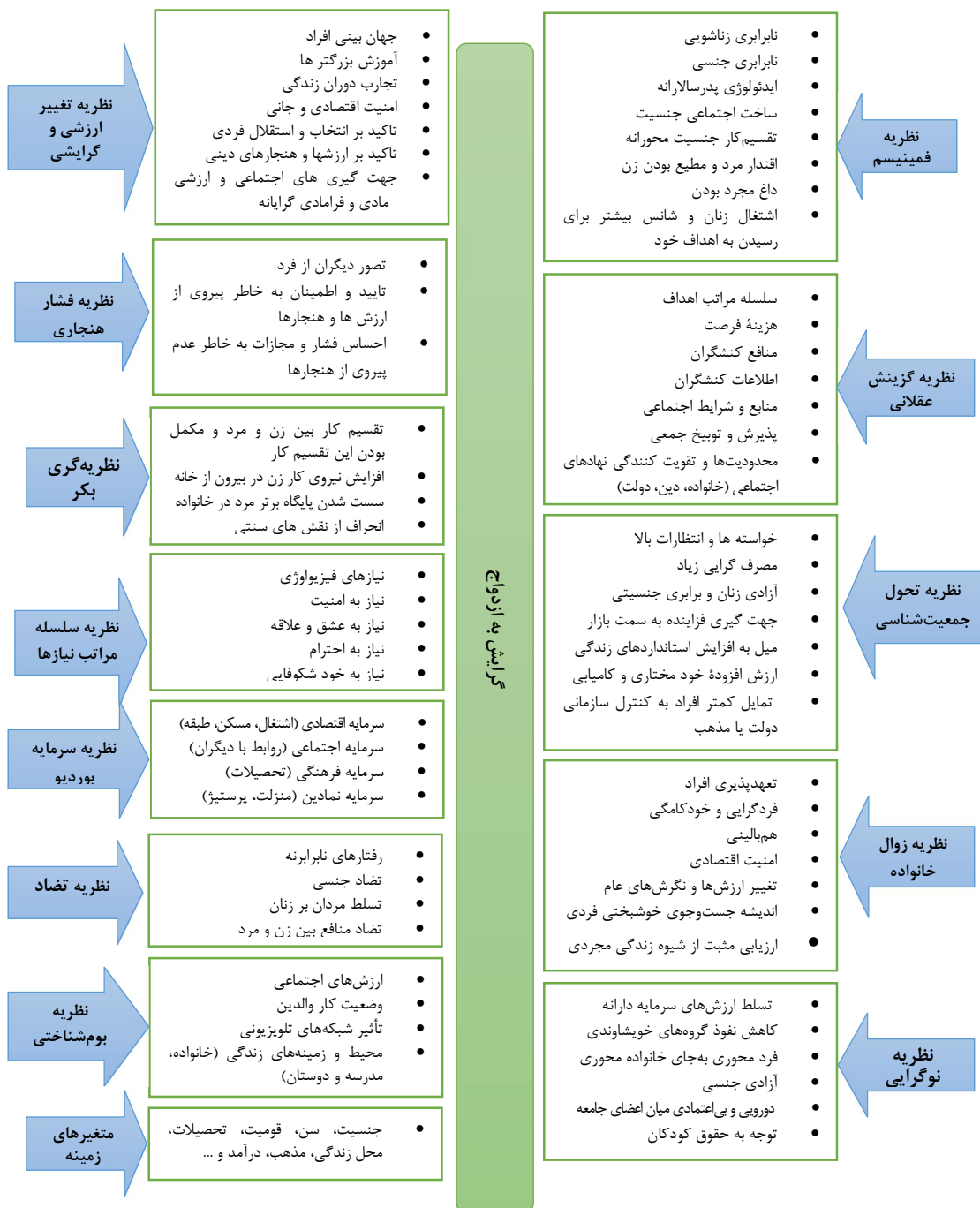
فرضیات تحقیق

مبنتی بر نظریات مطرح‌شده و تحقیقات صورت گرفته، در این تحقیق سعی خواهد شد تا فرضیات زیر مورد بررسی قرار گیرند. بر این اساس میزان گرایش دانشجویان و طلاب به ازدواج به‌عنوان متغیر وابسته، در ارتباط با عوامل مؤثر به‌عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرند. فرضیات تحقیق حاضر عبارت‌اند از:

به نظر می‌رسد بین دین‌داری فرد، دین‌داری خانواده، سنتی بودن خانواده، جو مثبت خانواده، تعداد اعضای خانواده، فواید ازدواج، انتظار دیگران مهم، فشار هنجاری، سن و معدل با گرایش به ازدواج رابطه مستقیم وجود دارد.

و در مقابل بین تمایلات فمینیستی فرد، هزینه‌های ازدواج، موانع بیرونی (مادی، اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی)، موانع درونی، فردگرایی، موافقت با بدیل‌های ازدواج، امکان بدیل‌های ازدواج، تجربه بدیل‌های ازدواج، مصرف رسانه، مادی‌گرایی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، درآمد سرپرست خانوار و سن مناسب برای ازدواج با گرایش به ازدواج رابطه معکوس وجود دارد.

بین جنسیت، بعد خانوار، رشته تحصیلی، قومیت، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، هزینه‌های شخصی فرد، درآمد فرد یا پول‌توجیبی، در قید حیات بودن والدین، محل سکونت؛ با گرایش به ازدواج رابطه وجود دارد؛ و در نهایت به نظر می‌رسد دختران و طلاب گرایش بیشتری به ازدواج داشته باشند.



شکل شماره (۱). مدل نظری تحقیق عوامل مؤثر بر گرایش به ازدواج

روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از رویکرد کمی، به روش پیمایش و تکنیک پرسش‌نامه محقق ساخته انجام‌گرفته است. واحد تحلیل فرد و گروه (دانشجو و طلبه)، سطح تحلیل خرد و نوع تحقیق تبیینی-کاربردی می‌باشد.

تنظیم پرسش‌نامه: پرسش‌نامه تحقیق حاضر از ۱۹ سؤال بسته و ۸ سؤال باز، ۱۲۴ گویه با طبقات پاسخ ۶ تایی (طیف لیکرت) و ۹ صفات برش قطبین تشکیل شده است. جمعیت آماری تحقیق حاضر را دانشجویان سال آخر مقطع کارشناسی دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی و طلاب شهر تهران تشکیل می‌دهند و نمونه‌گیری به روش احتمالی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، سهمیه‌ای، به‌کار گرفته شده و حجم نمونه آن با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده که در جدول زیر به تفکیک دانشگاه و حوزه ارائه می‌گردد.

جدول شماره (۱). جمعیت آماری تحقیق

نام مرکز	شمار جمعیت آماری	حجم نمونه
دانشگاه شهید بهشتی	۶۹۶۰ مقطع کارشناسی	۲۷۵
دانشگاه تهران	۱۸,۲۹۲ مقطع کارشناسی	۲۹۲
حوزه‌های علمی تهران ^۱	تخمین ۲۰ هزار نفر	۳۱۲

تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ به توصیف داده‌ها و تحلیل روابط بین متغیرها پرداخته شده است.

بررسی اعتبار و قابلیت اعتماد سنجش

سنجش اعتبار در این تحقیق مبتنی بر سه نوع اعتبار صوری، اعتبار محتوا و اعتبار سازه می‌باشد. به‌منظور سنجش اعتبار سازه از دو آزمون همبستگی میان اجزای شاخص باهم و اجزا با کل استفاده شده است. علاوه بر این تحلیل عاملی نیز مورد استفاده قرار گرفته شده است. از سوی دیگر جهت بررسی قابلیت اعتماد گویه‌های طرح‌شده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج مربوطه در جدول زیر ارائه می‌گردد.

^۱ با توجه به این که آمار دقیقی از تعداد طلاب نداشتیم، با توجه به تعداد مدارس (که به‌صورت تقریبی هر حوزه برادران شامل ۲۰۰ نفر و حوزه خواهران شامل ۱۰۰ نفر می‌باشد، در مجموع ۱۹۱۰۰ طلبه می‌شود) ما برای اطمینان فرمول کوکران را برای ۳۰ هزار نفر حساب کرده‌ایم.

جدول شماره (۲). بررسی اعتبار سازه و قابلیت اعتماد شاخص‌های تحقیق

شاخص‌ها	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	ضریب kmo	معنی داری	شاخص‌ها	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	ضریب kmo	معنی داری
گرایش به ازدواج	۱۸	۰,۹۱۹	۰,۹۲۹	۰,۰۰۰	جو مثبت خانواده	۷	۰,۷۰۰	۰,۷۵۲	۰,۰۰۰
دین‌داری	۹	۰,۸۹۶	۰,۹۰۸	۰,۰۰۰	انتظار دیگران مهم	۴	۰,۷۵۶	۰,۷۴۲	۰,۰۰۰
تمایلات فمینیستی	۱۲	۰,۸۳۲	۰,۸۶۳	۰,۰۰۰	موافقت با بدیل‌های ازدواج	۷	۰,۸۲۹	۰,۸۶۵	۰,۰۰۰
فواید ازدواج	۱۱	۰,۹۰۷	۰,۹۱۴	۰,۰۰۰	امکان بدیل‌های ازدواج	۴	۰,۶۹۱	۰,۶۹۳	۰,۰۰۰
هزینه‌های ازدواج	۴	۰,۷۶۰	۰,۷۵۸	۰,۰۰۰	تجربه بدیل‌های ازدواج	۴	۰,۴۵۳	۰,۵۷۵	۰,۰۰۰
موانع بیرونی ازدواج	۱۸	۰,۹۲۳	۰,۹۲۷	۰,۰۰۰	فشار هنجاری	۴	۰,۳۴۲	۰,۴۹۹	۰,۰۰۰
موانع درونی ازدواج	۱۳	۰,۸۹۴	۰,۹۰۸	۰,۰۰۰	مادی‌گرایی	۲	۰,۵۹۸	۰,۵۰۰	۰,۰۰۰
فردگرایی و فرد محوری	۶	۰,۶۲۷	۰,۷۱۱	۰,۰۰۰	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۳	۰,۷۴۵	۰,۶۸۷	۰,۰۰۰
دین‌داری خانواده	۳	۰,۷۱۱	۰,۶۲۵	۰,۰۰۰					

یافته‌های تحقیق

توصیف متغیر وابسته

متغیر وابسته یا شاخص گرایش به ازدواج از ۵ بعد (احساس، تمایل، ارزیابی، شناخت و رفتار) و ۱۸ گویه ساخته شده است. بیشترین میزان فراوانی در ارتباط با شاخص گرایش به ازدواج برای دانشجویان در طبقه زیاد با ۳۳,۹ درصد و برای طلاب در طبقه خیلی زیاد با ۴۲,۲ درصد قرار دارد و با توجه به طیف دوقسمتی، مجموع داده‌های هر دو گروه در سمت راست قرار دارد که نشان‌دهنده گرایش زیاد هر دو گروه به ازدواج می‌باشد. البته طلاب با ۹۲ درصد نسبت به دانشجویان با ۶۴ درصد گرایش بالاتری داشته‌اند؛ درصد نسبت گرایش به عدم گرایش به ازدواج با توجه به طیف دوقسمتی در گروه دانشجویان دختر ۶۲ به ۳۸ درصد، دانشجویان پسر ۶۶ به ۳۴ درصد، طلاب پسر ۹۱ به ۹ درصد و طلاب دختر ۹۳ به ۷ درصد بوده است، که کمترین میزان گرایش به ازدواج مربوط به دانشجویان دختر و بیشترین میزان آن مربوط به طلاب دختر است و این قضیه در سایر ابعاد شاخص گرایش به ازدواج نیز صادق است. متوسط پاسخ‌گویان دانشجو در ارتباط با شاخص گرایش به ازدواج با

میانگین ۳,۸۵ (در طیف ۶-۱) در طبقه زیاد قرار دارند و در مقابل متوسط پاسخ‌گویان طلبه با میانگین ۴,۹۳ در طبقه خیلی زیاد قرار دارند که ۱,۰۸ واحد از میزان دانشجویان بالاتر بوده است.

جدول شماره (۳). فراوانی و آماره متغیر وابسته شاخص گرایش به ازدواج و ابعاد آن در طیف دو قسمتی

انحراف معیار	میان	میانگین	فراوانی	زیاد	کم	جنسیت	گروه	شاخص و ابعاد گرایش
۱,۱۹	۴	۳,۸۵	۵۱۴	۶۵	۳۲	پسر	دانشجو	شاخص گرایش به ازدواج
				۶۱	۳۶	دختر		
۰,۹۳	۵	۴,۹۳	۲۶۸	۹۰	۸	پسر	طلبه	
				۹۲	۶	دختر		
۱,۰۷	۴	۳,۴۷	۵۵۶	۶۰	۳۷	پسر	دانشجو	بعد احساس
				۴۸	۴۵	دختر		
۱,۰۳	۴	۴,۳۵	۳۰۲	۸۱	۱۶	پسر	طلبه	
				۸۰	۱۸	دختر		
۱,۵۲	۴	۳,۹۹	۵۵۵	۶۹	۲۸	پسر	دانشجو	بعد تمایل
				۶۶	۴۲	دختر		
۱,۱۹	۶	۵,۱۱	۲۹۵	۸۹	۸	پسر	طلبه	
				۹۲	۴	دختر		
۱,۲۶	۴	۴,۱۲	۵۵۹	۸۰	۱۷	پسر	دانشجو	بعد شناخت
				۷۲	۲۵	دختر		
۱,۰۲	۵	۴,۸۰	۳۰۷	۹۱	۷	پسر	طلبه	
				۹۲	۵	دختر		
۱,۴۳	۴	۳,۵۲	۵۴۶	۵۳	۴۳	پسر	دانشجو	بعد رفتار
				۴۶	۵۲	دختر		
۱,۲۲	۵	۴,۶۶	۲۹۳	۷۸	۱۹	پسر	طلبه	
				۸۸	۹	دختر		
۱,۱۹	۵	۵,۰۲	۵۵۳	۸۶	۱۱	پسر	دانشجو	بعد ارزیابی
				۸۶	۱۲	دختر		
۰,۶۹	۶	۵,۷۶	۳۰۴	۹۴	۳	پسر	طلبه	
				۹۷	۱	دختر		

توصیف سیمای پاسخ‌گویان

کل پاسخ‌گویان ۸۷۹ نفر در دوگروه دانشجو و طلبه بوده‌اند. میانگین سن پاسخ‌گویان دانشجو ۲۱,۸۳ و برای طلاب ۲۳,۸۲ بوده است. برای دانشجویان خانواده ۴ نفره با ۴۲,۲ درصد بیشترین فراوانی را داشته است و میانگین نیز ۴,۷۶ بوده است. برای طلاب خانواده ۵ نفر با ۲۹,۳ درصد بیشترین فراوانی را داشته است و میانگین نیز ۵,۲۶ بوده است. درگروه دانشجویان ۳۷ عنوان رشته‌ای در این تحقیق حضور داشته‌اند. بیشترین قومیت این تحقیق را به ترتیب فارس با ۶۳,۱ درصد، ترک با ۲۱,۶ درصد و لر ۵,۶ درصد تشکیل می‌دهند.

توصیف متغیرهای مستقل

بر اساس یافته‌های نظری و پیشینه تحقیق، ۱۸ شاخص به‌عنوان متغیرهای مستقل و تأثیرگذار بر متغیر گرایش به ازدواج مورد سنجش قرار گرفت. بر اساس یافته‌های ارائه‌شده برای گروه دانشجویان میانگین شاخص‌ها در طیف (۶-۱) به ترتیب دین‌داری خانواده (شامل: رغبت به فعالیت‌های مذهبی، رعایت حلال و حرام، نظرشان در مورد دوستی با جنس مخالف)، دین‌داری فرد (شامل: اعتقاد به خداوند و رازقیت او و قرآن، عمل به دستورات دین، روزه گرفتن، نمازخواندن و...)، فواید ازدواج (شامل: آرامش، شادی، دوری از گناه، داشتن یار و یاور، رفع نیاز جنسی و...)، جو مثبت خانواده (روابط والدین، حمایت مالی، مشورت و کمک به یکدیگر و...)، موانع درونی ازدواج (مسئولیت‌پذیری، اولویت‌ها، ترس از آینده و طلاق، هزینه فرصت، الزام و تصمیم، توقعات و...)، هزینه‌های ازدواج (محدود شدن آزادی و استقلال فردی، مانع پیش‌رفت و اضطراب) بیشتر می‌باشد و برای گروه طلاب به ترتیب میانگین شاخص‌ها و متغیرهای دین‌داری فرد، دین‌داری خانواده، فواید ازدواج، جو مثبت خانواده، فشار هنجاری (تأکید ارزش‌ها و خانواده و دوستان بر ازدواج و...) بیشتر می‌باشد. داده‌های مربوط درجدول ۴ نشان داده شده است.

جدول شماره (۴). فراوانی و آماره متغیرهای مستقل در طیف دو قسمتی

شاخص و متغیرها	گروه	کم	زیاد	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
دین‌داری فرد	دانشجو	۱۹,۱	۸۰,۹	۵۵۰	۴,۶۶	۱,۳۵
	طلبه	۰,۳	۹۹,۷	۳۰۰	۵,۹۰	۰,۳۴
تمایلات فمینیستی	دانشجو	۵۳	۴۷	۵۴۰	۳,۳۴	۱,۰۵
	طلبه	۹۳	۷	۲۷۰	۲,۰۴	۰,۸۷

۱,۱۸	۴,۶۲	۵۴۱	۸۳,۴	۱۶,۶	دانشجو	فواید ازدواج
۰,۶۸	۵,۵۰	۲۸۱	۹۹,۳	۰,۷	طلبه	
۱,۲۶	۳,۶۷	۵۶۰	۵۷	۴۳	دانشجو	هزینه‌های ازدواج
۱,۳۰	۳,۰۴	۳۰۲	۳۷,۷	۶۲,۳	طلبه	
۱,۶۱	۳,۵۵	۵۴۹	۵۳	۴۷	دانشجو	موانع بیرونی مادی - اقتصادی
۱,۶۱	۲,۸۴	۲۹۲	۳۴,۸	۶۵,۲	طلبه	
۱,۲۲	۳,۳۶	۵۰۵	۴۷,۴	۵۲,۶	دانشجو	موانع بیرونی فرهنگی - اجتماعی
۱,۱۹	۲,۷۱	۲۶۹	۲۴,۵	۷۵,۵	طلبه	
۱,۲۶	۳,۳۷	۴۹۴	۴۸,۶	۵۱,۴	دانشجو	موانع بیرونی کل
۱,۲۲	۲,۷۱	۲۵۵	۲۵,۹	۷۴,۱	طلبه	
۱,۲۶	۳,۶۸	۵۲۰	۵۵,۸	۴۴,۲	دانشجو	موانع درونی ازدواج
۱,۱۴	۲,۳۸	۲۶۴	۱۴,۸	۸۵,۲	طلبه	
۱,۰۳	۳,۵۱	۵۳۷	۵۰,۲	۴۹,۸	دانشجو	فردگرایی و فرد محوری
۱,۰۴	۲,۶۵	۲۸۳	۱۸	۸۲	طلبه	
۱,۲۴	۴,۷۷	۵۶۰	۸۱,۸	۱۸,۲	دانشجو	دین‌داری خانواده
۰,۷۵	۵,۵۴	۲۹۹	۹۷	۳	طلبه	
۰,۹۷	۴,۵۴	۵۴۲	۸۵,۴	۱۴,۶	دانشجو	جو مثبت خانواده
۱	۴,۵۵	۲۸۶	۸۶,۱	۱۳,۹	طلبه	
۱,۵۸	۲,۳۶	۵۴۸	۲۴,۴	۷۵,۶	دانشجو	موافقت با بدیل‌های ازدواج
۰,۶۰	۱,۳۱	۲۹۲	۱,۴	۹۸,۶	طلبه	
۱,۰۱	۲,۵۵	۵۶۲	۱۵,۸	۸۴,۲	دانشجو	مصرف رسانه (از ۰ تا ۵ ساعت)
۰,۹۱	۱,۸۴	۲۹۷	۵	۹۵	طلبه	
۰,۹۵	۳,۵۸	۵۴۶	۵۷,۲	۴۲,۸	دانشجو	فشار هنجاری
۱,۱۱	۴,۲۸	۲۹۵	۷۹,۳	۲۰,۷	طلبه	
۱,۳۳	۲,۴۴	۵۵۹	۲۳,۶	۷۶,۴	دانشجو	مادی‌گرایی
۱,۰۵	۱,۶۶	۳۰۸	۹,۷	۹۰,۳	طلبه	
فراوانی		درصد		گروه	شاخص و متغیرها	
بله	خیر	بله	خیر			
۴۴۶	۱۱۸	۷۹,۱	۲۰,۹	دانشجو	امکان بدیل‌های ازدواج	
۱۵۳	۱۴۴	۵۱,۵	۴۸,۵	طلبه		
۳۲۱	۲۴۰	۵۷,۲	۴۲,۸	دانشجو	تجربه بدیل‌های ازدواج	
۳۶	۲۶۶	۱۱,۹	۸۸,۱	طلبه		
۳۳۹	۲۰۶	۶۲,۲	۳۷,۸	دانشجو	انتظار دیگران مهم	
۲۵۷	۳۲	۸۸,۹	۱۱,۱	طلبه		

تحلیل استنباطی و آزمون فرضیه ها

با توجه به فاصله‌ای بودن سطح سنجش متغیرهای موردبررسی، به‌منظور آزمون فرضیات تحقیق و بررسی روابط دومتغیره میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته گرایش به ازدواج از آزمون همبستگی پیرسون و اسپیرمن استفاده شده است. با توجه به محاسبات صورت گرفته در گروه دانشجویان میان تمامی شاخص‌ها رابطه معنی‌داری (به‌جز شاخص‌های موانع بیرونی مادی-اقتصادی، موانع بیرونی کل، امکان بدیل‌های ازدواج و مصرف رسانه) با شاخص گرایش به ازدواج مشاهده می‌شود. بیشترین شدت معنی‌داری مربوط به شاخص موانع درونی ازدواج با (۰,۷۹-) بوده بدین معنی که هر چه میزان موانع درونی بالاتر باشد، میزان گرایش به ازدواج نیز کاهش می‌یابد و بالعکس؛ و شاخص فواید ازدواج با (۰,۶۸) رابطه مثبت داشته است. در گروه طلاب نیز، میان تمامی شاخص‌ها رابطه معنی‌داری (به‌جز شاخص‌های دین‌داری خانواده، تجربه بدیل‌های ازدواج و پایگاه اجتماعی - اقتصادی) با شاخص گرایش به ازدواج مشاهده می‌شود که در این میان بیشترین شدت ضریب همبستگی معکوس را شاخص موانع درونی با (۰,۷۵-) داشته است و شاخص فواید ازدواج با (۰,۴۶) رابطه مثبت و مستقیمی داشته است؛ یعنی هر چه ارزیابی از فواید ازواج بیشتر باشد گرایش به ازدواج نیز بیشتر می‌باشد. (مراجعه شود به جدول ۵).

رگرسیون با شاخص‌های محور فرضیاتی (stepwise method)

قبل از انجام تحلیل رگرسیون به روش گام به گام، هم‌خطی چندگانه^۱ مورد بررسی قرار گرفت تا اطمینان حاصل شود که همبستگی بالایی بین متغیرهای مستقل وجود نداشته باشد. هم‌خطی بین این متغیرها در محدوده قابل قبول قرار داشته اند. با توجه به جدول شماره ۶ مدل دانشجویان دختر، با ۴ شاخص توانسته است تا ۷۵,۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند. این رابطه معنادار بوده و قابلیت تعمیم به گروه مذکور را داراست. مدل دانشجویان پسر، با ۵ شاخص توانسته تا ۷۸ درصد متغیر وابسته را تبیین کند. این رابطه معنادار بوده و قابلیت تعمیم به گروه مذکور را داراست. مدل طلاب دختر، با ۳ شاخص توانسته تا ۷۷,۲ درصد متغیر وابسته را تبیین می‌کند؛ این رابطه معنادار و قابلیت تعمیم به گروه مذکور را داراست. مدل طلاب پسر، با ۳ شاخص تا ۵۸,۸ درصد متغیر وابسته را تبیین می‌کند. این رابطه معنادار و قابلیت تعمیم به گروه مذکور را داراست. با توجه به میزان بتا، در هر ۴ گروه به ترتیب شاخص موانع درونی و فواید ازدواج بیشترین سهم را در تبیین متغیر وابسته (گرایش به ازدواج) داشته است. (مراجعه شود به جدول ۶ و ادامه آن).

^۱. Multicollinearity

جدول شماره (۵). تحلیل استنباطی و آزمون فرضیه‌ها

متغیر وابسته شاخص گرایش			متغیر وابسته شاخص گرایش			متغیر وابسته شاخص گرایش شاخص گرایش			
معنی داری	همبستگی	متغیرهای مستقل	معنی داری	همبستگی	متغیرهای مستقل	معنی داری	همبستگی	گروه	متغیرهای مستقل
-	-	امکان	۰,۰۰	-۰,۷۹	موانع درونی	۰,۰۰۰	۰,۳۹	دانشجو	دین داری
۰,۰۰	۰,۱۷	بدیل‌های ازدواج	۰,۰۰	-۰,۷۵	ازدواج	۰,۰۰	۰,۲۲	طلبه	
۰,۰۰	-۰,۱۱	تجربه	۰,۰۰	-۰,۴۰	فردگرایی و	۰,۰۰	-۰,۵۳	دانشجو	تمایلات فمینیستی
-	-	بدیل‌های ازدواج	۰,۰۰	-۰,۲۶	فرد محوری	۰,۰۰	-۰,۴۰	طلبه	
-	-	مصرف رسانه	۰,۰۰	۰,۳۱	دین داری	۰,۰۰	۰,۶۸	دانشجو	فواید ازدواج
۰,۰۴	-۰,۱۰		-	-	خانواده	۰,۰۰	۰,۴۶	طلبه	
۰,۰۰	۰,۱۴	فشار هنجاری	۰,۰۰	۰,۲۱	جو مثبت	۰,۰۰	-۰,۵۴	دانشجو	هزینه‌های ازدواج
۰,۰۰	۰,۱۶		۰,۰۱	۰,۱۴	خانواده	۰,۰۰	-۰,۴۴	طلبه	
۰,۰۰	-۰,۲۲	مادی گرایی	۰,۰۰	۰,۲۲	انتظار دیگران	-	-	دانشجو	موانع بیرونی مادی
۰,۰۰	-۰,۱۲		۰,۰۰	۰,۲۷	مهم	۰,۰۰	-۰,۱۹	طلبه	اقتصاد
۰,۰۱	-۰,۱۰	پایگاه اج-	۰,۰۰	-۰,۴۱	موافقت با	۰,۰۲	-۰,۰۹	دانشجو	موانع بیرونی
-	-	اقتصادی	۰,۰۳	-۰,۱۱	بدیل ازدواج	۰,۰۰	-۰,۲۱	طلبه	فرهنگی-اجتماعی
						-	-	دانشجو	موانع بیرونی کل
						۰,۰۰	-۰,۲۴	طلبه	

جدول شماره (۶). رگرسیون با شاخص‌های محور فرضیاتی برای ۴ گروه با (stepwise method)

Sig	R square میزان	R میزان	گروه	model
۰,۰۰۰	۰,۷۵۹	۰,۸۷۱	دانشجویان دختر	۴
۰,۰۰۰	۰,۷۸	۰,۸۸۳	دانشجویان پسر	۵
۰,۰۰۰	۰,۷۷۲	۰,۸۷۹	طلاب دختر	۳
۰,۰۰۰	۰,۵۸۸	۰,۷۶۷	طلاب پسر	۳

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این قسمت درصدد هستیم تا جمع‌بندی از پاسخ به سؤالات تحقیق و بررسی نتایج فرضیات تحقیق داشته باشیم. در پاسخ به سؤال اول: «میزان گرایش دانشجویان و طلاب به ازدواج چقدر است؟» با توجه به میانگین و وسط طیف در فراوانی شاخص گرایش به ازدواج هر دو گروه بالاتر از میانه بوده‌اند. اگر خواسته باشیم دقیق‌تر بگوییم با توجه به طیف دو قسمتی، مجموع نمره گرایش به ازدواج برای هر دو گروه بالاتر از میزان متوسط بوده است با این تفاوت که طلاب با ۹۲ درصد نسبت به دانشجویان با ۶۴ درصد گرایش به ازدواج به مراتب بالاتری داشته‌اند. اگر خواسته باشیم این بررسی را به تفکیک جنسیت برای ابعاد شاخص گرایش به ازدواج بگوییم طلاب دختر در تمامی ابعاد، گرایش بیشتری و دانشجویان دختر در تمامی ابعاد، گرایش کمتری نسبت به سایر گروه‌ها داشته‌اند. به عبارت دقیق‌تر گرایش به ازدواج دانشجویان دختر در حد ۶۲ درصد، گرایش به ازدواج دانشجویان پسر در حد ۶۶ درصد، گرایش به ازدواج طلاب پسر در حد ۹۱ درصد و گرایش به ازدواج طلاب دختر در حد ۹۳ درصد بوده است.

برای پاسخ به سؤال دوم: «عوامل و موانع مؤثر بر گرایش به ازدواج دانشجویان و طلاب چیست؟» حاصل مطالعه و پژوهش ما نشان می‌دهد که متغیرهای مربوط به فرضیات دین‌داری فرد، فواید ازدواج، دین‌داری خانواده، جو مثبت خانواده، انتظار دیگران مهم، فشار هنجاری، سن و معدل برای هر دو گروه (دانشجویان و طلاب) تأیید و رابطه مستقیمی با گرایش به ازدواج داشته‌اند؛ یعنی هر چه این شاخص‌ها در افراد بیشتر وجود داشته باشد گرایش به ازدواج بیشتری دارند و در مقابل تمایلات فمینیستی، هزینه‌های ازدواج، موانع فرهنگی اجتماعی، موانع درونی، فردگرایی، موافقت با بدیل‌های ازدواج و مادی‌گرایی نیز برای هر دو گروه تأیید و رابطه معکوسی با گرایش به ازدواج داشته‌اند؛ یعنی هر چه فرد تمایلات فمینیستی بیشتری داشته باشد گرایش به ازدواج کمتری دارد و رابطه مذکور قابلیت تعمیم به جمعیت آماری را داراست.

فرضیات موانع مادی-اقتصادی، مصرف رسانه (دارای رابطه منفی با گرایش به ازدواج) برای طلاب تأیید و برای دانشجویان رد شد؛ و فرضیات سنتی بودن خانواده (دارای رابطه مثبت با گرایش به ازدواج)؛ تجربه بدیل‌های ازدواج، پایگاه اجتماعی اقتصادی، درآمد سرپرست خانوار، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، سن مناسب برای ازدواج^۱، هزینه‌های شخصی فرد^۲، هزینه‌های لازم برای جشن

^۱ سن مناسب برای ازدواج دختران از نظر دانشجویان ۲۳،۸۹ سال و از نظر طلاب ۱۹،۸۹ سال بوده است؛ و سن مناسب برای ازدواج پسران از نظر دانشجویان ۲۸،۱۳ سال و از نظر طلاب ۲۴،۱۲ سال بوده است.
^۲ متوسط هزینه‌های شخصی پاسخ‌گویان دانشجو ۳۰۰-۴۰۰ هزار تومان و برای طلاب ۲۰۰-۳۰۰ هزار تومان بوده است. در کل هزینه‌های شخصی طلاب پایین‌تر از دانشجویان بوده است.

ازدواج^۱ (دارای رابطه منفی با گرایش به ازدواج) برای دانشجویان تأیید و برای طلاب رد شد؛ میان فرضیات جنسیت، رشته تحصیلی^۲ با گرایش به ازدواج رابطه وجود داشته است؛ اما میان فرضیات بعد خانوار، قومیت، در قید حیات بودن والدین فرد، محل سکونت، درآمد یا پول توجیبی فرد^۳ با گرایش به ازدواج در این تحقیق رابطه وجود نداشته است. فرضیه امکان بدیل‌های ازدواج برای دانشجویان درست است که رابطه منفی بوده اما معنادار نشده است و برای طلاب درست است که رابطه معنادار شده اما مثبت بوده است یعنی هر چه امکان بدیل برای طلاب بیشتر فراهم باشد گرایش آن‌ها به ازدواج بیشتر می‌شود. یکی از علت‌های این مسئله این می‌تواند باشد که طلاب به خاطر دوری از گناه (ذیل فواید ازدواج) تمایل بیشتری به ازدواج پیدا می‌کنند.

بر اساس محاسبات رگرسیونی چندگانه میزان تبیین گرایش به ازدواج به تفکیک جنسیت برای دانشجویان دختر ۷۵٫۹ درصد، برای دانشجویان پسر ۷۸ درصد، برای طلاب دختر ۷۷٫۲ درصد و برای طلاب پسر ۵۸٫۸ درصد برای همه گروه‌ها به صورت معنادار محاسبه شده و قابلیت تعمیم به گروه‌های مذکور را داراست.

با توجه به این‌که در این پژوهش ما با ۴ گروه متفاوت (دختران دانشجو، دختران طلبه، پسران دانشجو و پسران طلبه) مواجه بوده‌ایم، در این بخش به تفکیک به نتایج به دست آمده خواهیم پرداخت تا امکان مقایسه ۴ گروه فراهم آید:

دختران دانشجو:

در گروه دانشجویان دختر مهم‌ترین متغیرها (به همراه معرف‌های) تأثیر گذار بر گرایش به ازدواج به ترتیب **موانع درونی** با جهت منفی (الزامی به ازدواج ندیدن، تصمیم به ازدواج نداشتن، احساس زود بودن، مسئولیت‌پذیری، اولویت‌های دیگر، مانع دست‌یابی به اهداف، هزینه‌ها و دردهای ازدواج)، **فواید ازدواج** با جهت مثبت (شادی و نشاط، دوری از گناه، آرامش و سکون، به دست آوردن یار و یاور)، **هزینه‌های ازدواج** با جهت منفی (محدود شدن آزادی، مانع پیشرفت، کاهش استقلال و فردیت، اضطراب آور)، **موانع بیرونی (فرهنگی - اجتماعی)** با جهت مثبت (طلاق نزدیکان، بی اعتمادی به طرف مقابل، آداب و رسوم غلط) بوده است.

^۱ در ارتباط با هزینه برگزاری یک جشن ازدواج مطلوب، متوسط پاسخ‌گویان دانشجو ۵۰ میلیون تومان لازم دانسته‌اند، این در حالی است که متوسط پاسخ‌گویان طلاب ۱۷٫۱۲ میلیون تومان لازم می‌دانند؛ که تفاوت خیلی زیادی را مشاهده می‌کنیم.

^۲ رشته علوم دینی، علوم انسانی، علوم پایه و فنی مهندسی به ترتیب بیشترین میزان گرایش به ازدواج را داشته‌اند.

^۳ بیشترین درآمد یا پول توجیبی برای هر دو گروه ۲۰۰-۱۰۰ هزار تومان بوده است.

پسران دانشجو:

در گروه دانشجویان پسر مهم ترین متغیرهای تأثیر گذار بر گرایش به ازدواج به ترتیب **موانع درونی** با جهت منفی (الزام نداشتن، تصمیم نداشتن، مسئولیت پذیری، هزینه‌ها، اولویت های دیگر، مانع دستیابی به اهداف، ترس از طلاق)، **فواید ازدواج** با جهت مثبت (آرامش و سکون، رشد و شکوفایی، نیاز به دوست داشتن، نیاز جنسی)، **دینداری خانواده** با جهت منفی (نظر والدین در مورد دوستی با جنس مخالف، رعایت حلال و حرام)، **موانع بیرونی (فرهنگی - اجتماعی)** با جهت مثبت (طلاق نزدیکان)، **هزینه‌های ازدواج** با جهت منفی (مانع پیشرفت، اضطراب) بوده است.

دختران طلبه:

در گروه طلاب دختر مهم ترین متغیرهای تأثیر گذار بر گرایش به ازدواج به ترتیب **موانع درونی** با جهت منفی (مسئولیت پذیری، تصمیم نداشتن، اولویت های دیگر، احساس خجالت)، **فواید ازدواج** با جهت مثبت (رشد و شکوفایی، به دست آوردن یار و یاور)، **موانع بیرونی (فرهنگی - اجتماعی)** با جهت منفی (طولانی بودن دوران تحصیل) بوده است.

پسران طلبه:

در گروه طلاب پسر مهم ترین متغیرهای تأثیر گذار بر گرایش به ازدواج به ترتیب **موانع درونی** با جهت منفی (مسئولیت پذیری، تصمیم، الزام، ناسازگاری با تحصیل کردن، احساس خجالت)، **فواید ازدواج** با جهت مثبت (آرامش و سکون، رشد و شکوفایی)، **موافقت با بدیل های ازدواج** با جهت منفی (باکره بودن دختر، دوستی با جنس مخالف و روابط جنسی آزاد) بوده است. مهم ترین تفاوت ها و تشابهات این دو گروه به طور خلاصه در زیر انعکاس یافته است:

- هر دو گروه گرایش بالایی به ازدواج داشته اند، اما میزان گرایش طلاب خیلی بیشتر بوده است.
- طلاب در تمام ابعاد ۵ گانه گرایش به ازدواج، میانگین بالاتری از دانشجویان داشته اند.
- اغلب پاسخگویان دانشجو با توجه به تمایلات فمینیستی و نوع نگاهی که به ازدواج دارند، موانع زیادی را بر سر راه ازدواج خود می بینند و از طرف دیگر شرایط بدیل های ازدواج را برای خود بیشتر فراهم می دانند. در مقابل اغلب طلاب با توجه به نوع نگاه دین دارانه ای که به ازدواج دارد، ارزیابی مثبت تری از ازدواج داشته و شرایط، آن ها را به این سمت سوق می دهد.

○ رابطه موانع درونی در جهت کاهش گرایش به ازدواج در هر دو گروه بسیار بالا بوده است؛ یعنی هر چه افراد موانع درونی بیشتر در خود برای ازدواج ببینند (مثل مسئولیت‌پذیری، الزام، احساس زود بودن ازدواج، کارهای مهم‌تر) گرایش کمتری به آن نشان می‌دهند. برای طلاب احساس خجالت از مجرد بودن به عنوان عامل مهمی ابراز شده است. فواید ازدواج حاکی از آن است که هر چه ارزیابی از فواید ازدواج (مثل نشاط و شادی، آرامش و سکون، نیاز به رشد و شکوفایی، دوری از گناه، نیاز به دوست داشتن و به دست آوردن یار و یاور) بیشتر، گرایش به ازدواج نیز بیشتر خواهد بود که میزان همبستگی برای دانشجویان در مقایسه با طلاب بالاتر بوده است. در عوض برای طلاب، صاحب فرزند شدن اهمیت بیشتری داشته است.

منابع

- اتکینسون، ریتا ال و دیگران (۱۳۸۵)، *زمینه‌های روانشناسی هیلگارد*، ترجمه محمد نقی براهنی و دیگران، چاپ پنجم، تهران: انتشارات رشد.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- اینکلهارت، رونالد (۱۳۸۶)، *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- برناردز، جان (۱۳۸۴)، *درآمدی بر مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- بنگستون، ورن ل و دیگران (۱۳۹۳)، *دایره المعارف خانواده (نظریه‌ها و روش‌ها)*، ترجمه عالیه شکرپیگی و دیگران، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵)، *پی بر بوردیو*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- دیلینی، تیم (۱۳۸۷)، *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*، ترجمه بهرنگ صدیقی، تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات علمی.
- ریتزر، جورج و گودمن، داگلاس جی (۱۳۹۰)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی*، جلد ۱، تهران: انتشارات کیهان.
- سگالن، مارتین (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، چاپ ششم، تهران: نشر مرکز.
- عضدانلو، حمید (۱۳۹۱)، *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- کوزر، لیونیس (۱۳۸۶)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات علمی.

- گود، ویلیام جی (۱۳۵۲)، *خانواده و جامعه، ترجمه ویدا ناصحی*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ دوم، تهران: نشر نی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، *تفسیر نمونه*، جلد شانزدهم، چاپ سی و ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مازلو، آبراهام (۱۳۷۶)، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، جلد ۱۴، بیروت - لبنان: موسسه آل البیت (ع) لإحياء التراث.

مقالات

- باقریان، بهرنوش و دیگران (۱۳۹۰)، «ارتباط گرایش نسبت به ازدواج و طلاق با مؤلفه‌های جو اجتماعی خانواده در دانشجویان دانشکده پرستاری حضرت زینب (س) لارستان»، *فصلنامه علمی دنا*، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۱۱-۲۰.
- باقیانی مقدم، محمدحسین و دیگران (۱۳۹۰)، «بررسی گرایش جوانان در شرف ازدواج در رابطه با شناخت همسر آینده و زندگی مشترک در شهرستان بروجن»، *مجله تحقیقات نظام سلامت*، سال هفتم، شماره ۶، صص ۶۹۳-۷۰۱.
- پور افکاری، نصراله و دیگران (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و گرایش به ازدواج؛ مطالعه موردی دانشجویان دختر ۱۸-۲۵ ساله دانشگاه اصفهان»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۱، صص ۷۳-۹۸.
- تاج‌بخش، غلامرضا و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی نقش عوامل مؤثر برافزایش سن ازدواج جوانان با تأکید بر متغیرهای زمینه‌ای (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره))»، اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، صص ۲۱-۱.
- حبیب پور گتایی، کرم و دیگران (۱۳۹۰)، «علل افزایش سن ازدواج»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۹، شماره ۱، صص ۷-۳۴.
- دستجردی، نگین برات و دیگران (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل مؤثر در گرایش به ازدواج اینترنتی در بین دانشجویان»، *مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، سال دوم، شماره ۲، صص ۶۵-۸۲.
- دوراهکی، احمد (۱۳۹۱) «عوامل مؤثر بر وضعیت ازدواج دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران»، *مجله تحلیل اجتماعی*، شماره ۶۲/۴، صص ۱۳۱-۱۰۳.

- رحیمی، علی و دیگران (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۲۸-۷.
- شاطریان، محسن و دیگران (۱۳۹۴)، «بررسی و سنجش سطح تحصیلات در افزایش سن ازدواج دختران»، دومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، به صورت الکترونیکی، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، صص ۱۰-۱.
- شقایق شیری، ولی اله و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی علل افزایش سن ازدواج دانشجویان دانشگاه پیام نور ابهر»، اولین اجلاس سراسری توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، *مطالعات اجتماعی و فرهنگی*، به صورت الکترونیکی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، صص ۸-۱.
- صدر الاشرافی و دیگران (۱۳۹۱)، «شناسایی عوامل مؤثر بر ازدواج آسان از دیدگاه دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور مرکز رزن»، *فصلنامه مهندسی فرهنگی*، سال هفتم، شماره ۶۹ و ۷۰، صص ۱۰۱-۸۶.
- صفدری، خدیجه و دیگران (۱۳۹۳)، «عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهر مشهد»، دومین اجلاس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران، موسسه اطلاع‌رسانی نار کیش، صص ۱۸-۱.
- عسگری، فریبا (۱۳۹۰)، «بررسی گرایش جوانان شهرستان فلاورجان به موانع ازدواج و عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج»، همایش ملی آسیب‌شناسی مسائل جوانان، فلاورجان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان، صص ۳۳-۱.
- حاج حسینی، منصوره (۱۳۹۳)، «تحلیل منابع روانی اجتماعی هویت زنانه، در تأخیر ازدواج»، اجلاس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری، تهران: موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا، صص ۹-۱.
- فولادی، محمد (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تأکید بر عوامل فرهنگی»، *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۴، صص ۱۰۴-۷۷.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۸)، «سنجش گرایش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی»، *فصلنامه فرهنگ* در دانشگاه اسلامی ۴۲، سال سیزدهم، شماره ۲، صص ۹۵-۷۵.
- کاظمی، زهرا (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر آرمان‌گرایی توسعه‌ای بر شکاف بین گرایش‌های دختران و مادران آن‌ها نسبت به ازدواج و خانواده»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۳۱۳-۲۹۹.
- کرمی، منیژه و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی گرایش‌ها و باورهای مذهبی دانشجویان نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده»، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم، مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر، صص ۱۱-۱.
- کنعانی، محمد امین (۱۳۸۵)، «پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال یکم، شماره ۱، صص ۱۲۶-۱۰۴.
- کنعانی، محمدامین و دیگران (۱۳۹۰)، «بررسی گرایش دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان نسبت به موانع و تنگناهای ازدواج در سال ۱۳۹۰»، همایش ملی آسیب‌شناسی مسائل جوانان، فلاورجان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان، صص ۱۴-۱.

- مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶)، «بررسی دلایل و اثرات افزایش سن ازدواج دختران روستایی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی* دانشگاه آزاد آشتیان، شماره ۸، صص ۱۵۰-۱۳۹.
- مجدی، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۹۰)، «سنجش گرایش دانشجویان پسر مجرد دانشگاه فردوسی نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن»، *مجله مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۸۳-۱۶۵.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳)، «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۴، صص ۵۳-۲۷.
- مقدس جعفری، محمدحسن (۱۳۸۵)، «تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت»، *فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال اول، شماره ۲، صص ۱۱۰-۸۹.
- ملکی، امیر و دیگران (۱۳۹۱)، «تأثیر فرهنگ دینی بر گرایش فمینیستی دختران جوان در علاقه‌مندی به ازدواج»، *فصلنامه فرهنگ* در دانشگاه اسلامی، سال دوم، شماره ۴، صص ۴۰۲-۳۷۷.
- نقیبی، ابوالحسن و دیگران (۱۳۹۴)، «سنجش گرایش جوانان نسبت به ازدواج در شهرستان قائم‌شهر»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، سال بیست و پنجم، شماره ۱۳۱، صص ۱۶۴-۱۵۹.
- نوربخش، مرتضی (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج دختران از دیدگاه جامعه‌شناسی (مطالعه کیفی)»، اولین اجلاس سراسری توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، به‌صورت الکترونیکی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، صص ۸-۱.
- یاری نسب، فاطمه (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج (با تأکید بر داده‌های پیمایش یک دهه گذشته)»، اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران، به‌صورت الکترونیکی، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، صص ۷-۱.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۸۵)، www.amar.org.ir، (سال مراجعه ۱۳۹۸).
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۰)، www.amar.org.ir، (سال مراجعه ۱۳۹۸).
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵)، www.amar.org.ir، (سال مراجعه ۱۳۹۸).
- Becker, Gary.s (1973), *A theory of marriage part I the Journal of political economy*, 81(4), 813-846.
- Burdette, Amy M, Stacy H. Haynes, Christopher G. Ellison (2011), "Religion, Race/Ethnicity, and Perceived Barriers to Marriage among Working-Age Adults, *Sociology of Religion*, 73:4 429-451, doi: 10. 1093 /socrel/srr053.
- Cunningham, M & Thornton, A (2006), "The influence of parent's marital quality on adult children's attitudes toward marriage and its alternatives: main and moderating effects", *Demography*, Volume 43-Number 4:659-672.
- Ellison, Christofher G & others (2013), " Attitudes toward Marriage, Divorce, Cohabitation, and Casual Sex among Working-Age Latinos: Does Religion Matter?" *JOURNAL OF FAMILY ISSUES*, Pages: 295-322.

- Fula, Makiko (2014), "Work–Family Conflict and Attitudes Toward Marriage", *Journal of Family Issues*, Vol. 35(6), pp731–754.
- Good, William J (1963), *World revolution and family pattern*, New York: The Free Press.
- Huang, Yun-Chen & Lin, Shu-Hui (2014), "Attitudes of Taiwanese College Students. toward Marriage: A Comparative Study of Different Family Types and Gender", *JOURNAL OF COMPARATIVE FAMILY STUDIES*, Pages: 425- +.
- Kalmijn, Matthijs (2013), "The Educational Gradient in Marriage: A Comparison of 25 European Countries", *Demography* 50:pp1499–1520.
- Nasrullah, Muazzam & Others (2014), "Knowledge and attitude towards child marriage practice among women married as children-a qualitative study in urban slums of Lahore, Pakistan" *BMC Public Health*, 14:1148.
- Nathan J. Milesa & Heather L. Servaty-Seiba (2010), "Parental Marital Status and Young Adult Offspring's Attitudes About Marriage and Divorce", *Journal of Divorce & Remarriage*, pages 209-220.
- Smith, Cristine A. Rebecca Paulson Stone, Sarah Kahando (2012), " A model of women’s educational factors related to delaying girls’ marriage ", *Springer Science +Business Media B.V, Int Rev Educ*, 58:533–555.
- Trotter, P. (2010), The influence of parental romantic relationships on college students’ attitudes about romantic relationships. *College Student Journal*, 44(1), 71-83. Retrieved from Academic Search.
- Uecker, Jeremy.E (2014), " Religion and Early Marriage in the United States: Evidence from the Add Health Study" *Journal for the Scientific Study of Religion* 53(2):392–415.
- Xiaohui Li (2014), "What Influences the Attitudes of People in the United States toward Marriage? A Critical Review", *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, Vol. 22(3), pp292-297.